

سیمین بهبهانی و نگاهی زنانه به ساحت فلسطین

از جمله دیگر نمایندگان جریان روشنفکری شعر معاصر که مسئله فلسطین را در شعر خود بازتاب داده است می توان به سیمین بهبهانی اشاره کرد، غزلی که بهبهانی در دیباچه اش تاریخ جنایت صبرا و شتیارا نوشته است و در آن با دختری یهودی درد دل می کند. سارا در این غزل نماد یهودیانی است که از صهیونیسم بیزارند و خود طرفدار زیستی مسالمت آمیز با دیگر اقوام در جهان اند. شعر «سارا چه شادمان بودی» سرشار از نشانه های درون متنی از مسئله فلسطین است.

سارا، چه شادمان بودی با بقچه های رنگینت
شال و حریر و ابریشم کالای چین و ماچینت
سارا، چه راستگو بودی آن دم که چشم معصومت
آیینۀ سخرمی شد وقت قسم به آیینت
سارا، چه شرم رو بودی وقتی کسی نظرمی باخت
با گونه های از نرمی، گلبرگ یاس و نسرنیت
سارا، چه در امان بودی آن دم که مرد همراحت
خار ملامتش می شد ز نهار دست گلچینت
سارا، چه مهربان بودی با مادر مسلمانم
با برق اشک هم دردی در چشم های غمگینت
سارا، نهفته در قلبت نقش ستاره داوود
پیدا ستاره ای زرین برگردن بلورینت ...
با قوم خود بگو سارا، هرگز نبوده تا امروز
یک لحظه خشم و بیزاری با مردم فلسطینت
سارا، گریستی آتش بر قتل عام خونباری
«صهیون» نشان دوزخ شد از شعله های نفرینت
سارا، بگو با «موسی»: «سودای دین دیگر کن
کز ننگ خود، جهان خواری، داغی نهاده بردینت»
سارا، بپرس از «موسی»: «کاین افعیان نمی بینی؟
یا ازدهای افعی گش تن می زند ز تمکینت؟»

سارا، جنازه ها اکنون افتاده بر زمین عریان
برکش - اگر کفن داری از بقچه های رنگینت
یکی از مهم ترین فرازهای این شعر در انتهای غزل اتفاق می افتد؛ جایی که شاعر از سارا می خواهد تا رفتار صهیونیسم را با موسی (ع) در میان بگذارد.

سارا، بپرس از «موسی»: «کاین افعیان نمی بینی؟
یا ازدهای افعی گش تن می زند ز تمکینت؟»

بهبهانی با اشاره به عدم تمکین تاریخی قومی یهود از موسی کلیم الله در وقایع مختلف تاریخی گویی به جریان اختلاف یهودیت اصیل با صهیونیسم می پردازد و حساب این دو جریان را از هم جدا می کند. نگرش سیمین بهبهانی در طول جریان شعر نگرشی سرشار از انسانیت و مهربانی است، نگرشی که در آن از سارا به نمایندگی از مردم یهود می خواهد که به فلسطینیان بگوید هرگز در هوای دشمنی با آنان نبوده است. گویی روح لطیف سیمین بهبهانی باور ندارد که انبای بشر به واسطه تفاوت آیین می توانند چنین به جان هم افتند.

قیصر امین پور، آغاز فصلی دیگر

آنچه تاکنون درباره شاعران نامدار شعر فارسی و ارتباطشان با مسئله فلسطین خواندیم از جهان شاعرانی بود که شاید از نگاه مخاطب عمومی شعر در بادی امر متصل به فلسطین به نظر نمی رسند. البته این دیدگاه احتمالاً در مخاطب جریان عمومی شعر فارسی وجود داشته باشد و مخاطب حرفه ای به همه و جوه شعری آنان مسلط است. طیف دیگری از شاعران شعر معاصر که به شاعران جریان انقلابی معروف اند از تلاشگران عرصه شعر فلسطین در ایران به شمار می روند. چهره برجسته این گروه را می توان قیصر امین پور دانست و پس از او سید حسن حسینی و اسرافیلی و علیرضا قزوه ادامه دهندگان این مسیر به شمار می روند. در این نوشتار نام قیصر امین پور را برگزیدیم و دلیل این گزینش تأثیر عمومی و غیر قابل انکار قیصر بر طیف کثیری از مخاطبان شعر فارسی است. می توان گفت قیصر امین پور مقبول ترین شاعر طیف ادبیات پایداری در بین عموم مردم است. از سویی ابعاد هنری شعر قیصر امین پور نسبت به سایر شاعران این جریان برجسته تر است. مهم ترین شعر قیصر امین پور برای فلسطین شاید شعر مشهوری با ردیف پنجره باشد.

در انتهای کوچه شب، زیر پنجره
قومی نشسته خیره به تصویر پنجره
این سوی شیشه، شیون باران و خشم باد
در پشت شیشه بغض گلوگیر پنجره
اصرار پشت پنجره گفت و گو بس است
دستی بر آوریم به تغییر پنجره
تا آنکه طرح پنجره ای نو در افکنیم
دیوار ماند و حسرت تصویر پنجره
ما خواب دیده ایم که دیوار شیشه ای است
اینک رسیده ایم به تعبیر پنجره
تا آفتاب را به غنیمت بیاوریم
یک ذره راه مانده به تسخیر پنجره
جز با کلید ناخن ما وانمی شود
قفل بزرگ بسته به زنجیر پنجره

در این غزل با جهان متفاوتی از استعاره مواجهیم، جهانی که در آن پنجره، در هر بیت، فصل دیگری از مسائل مربوط به فلسطین را بازتاب می دهد. خصوصاً در بیت:

اصرار پشت پنجره گفت و گو بس است
دستی بر آوریم به تغییر پنجره

شاعر با زبان استعاره تمام پروژه های مربوط به گفت و گو با اسرائیل و عادی سازی روابط با این رژیم منحوس را زیر سؤال می برد و درباره تغییر پنجره سخن می گوید.

**

آنچه در تحلیل پنج بریده از حضور فلسطین در شعر فارسی خواندید تلاشی بود در بازتعریف و توصیف حقیقت برخورد با مسئله قدس در شعر فارسی و تلاشی در شکستن هنجارهای ذهنی مبنی بر تعلق شعر فلسطین به جریانی خاص در ادب فارسی. به نظر می رسد شاعران جوان اگر بتوانند در مسیر ارتباط با شعر فلسطین چنین تصاویر دغدغه مند و دقیقی خلق کنند، بی شک شعر فلسطین را از مشکل حرکت در سطح نجات خواهند داد. ▶